

...و همدار همیشه نمی توان فریفت

سلاج جستجو کند . رهی بنیوی ! در
سپس بر آن شد تا ثانوی نام خود و همکاران
کاسبه را از این فاجعه بر زبان آورد ، از این
بخش از سخنانش نیز نیرنگ و تزویر آشکار بود
و همکاران نظامی در رمای کمتر از بیست و
چهار ساعت دلیل کامی بر این مدعا را -
فراهم ساختند . آنها چنین نشان دادند
که در سوک آن شهید دانشگاهی در کابینه
اشک تسلیح ریخته اند و از راه رادیو تلویزیون
به خاندانش تسلیح گفتند اما مردان آتش
همکاران دانشگاهی را که در تشییع جنازه
او حرکت کرده بودند بگولگی بستند . آنها به
دروغ و ریا خود را در حرکت کامران عزیز متاثر
نشان دادند اما سپهرا او چند تن دیگر از
سازران نشانند را در بار عدم فرستادند .
ایشان چه کسی هستند که تیغ را در کف
رنگی مست داده اند تا دوا مان مارا که برای
کشت دانش سالها رحمت کشید هاند و مردم
ملاکت سالها چشم به بازگشت آنها دوختند
چون دیوانه وار خون کشند . این قتل عام
مردم ناکی ۱۲ این دیوانگان دست آموخته
جاسوس و شام را در بند کنید .

شبه شهیدم که جانوه وزیر علمایان
حون آن مبارز دانشگاهی را لوت کرد و همه
شهیدم که او باجه ران سردیرو در روزی کوشید
تا مثل آن جوان مبارز را در میان مردم بی



ایران و راه حل اندونزی

در آخرین شماره مجله اسپرس چاپ پاپوس در مقاله ای راجع به اوضاع ایران نوشته بود که "ایران
در زمینه هیچ وجه ویرانی ممکن است با راه حلی شبیه راه حل اندونزی روبرو نشود یعنی برخی از
افسران ارتش با تحمیل حسونی شدید مخالفین را میتوان کمونیست سرکوب نمایند " این راه حلی
یعنی سرکوب شدن مخالفین و کشتار آنها بشکل یک کودتای نظامی یکبار در ایران در مرداد ۳۲
به تجربه گذاشته شد ، اما نتیجه آن هزاران ۲۶ سال چه بود ؟ چیزی همین هیچ ویرانی امروزی ؟
رشته هیچ وجه ویرانی کنونی کشور را در کجا ست و لغت آن چیست ؟ تبدیل حکومت قانونی دکتر
مصدق به حکومت استبدادی مطلقه شاه ، و در آن هنگام بهانه این سرکوبی چه بود ؟
چیز همین برچسب همپنکی که ارتجاع و فساد در همه جای دنیا بر پهنانی هر نهفت و جنبش
ملی و مردمی میزند یعنی کمونیسم .

و تجربه کردن راه تجربه شده و شکست خورده امریکائی سرانجام به کیا منتهی میشود ؟ آنها تا
امروز جز کمونیسم راه حل دیگری در کشورهای زیر استعمار امریکا بوجود آمده است ؟
بنابراین راه حل اندونزی یعنی انجام یک کشتار چند هزار نفری دیگر در ایران راه حل ارتش
ایران نیست بلکه راه حل افرادی است که ظاهرا با شرکت نامل خود در رژیم فساد و غارت و اختناق
برای فرار از جنابکونی در برابر مردم راه دیگری جز ادامه حسونت و فساد در اشکال تازه مان ندارند
و این اشکال تازه حسونت ممکن است چند صباحی دیگر امراد هیئت حائمه و وابستگان آن را از
بن بست کنونی نجات دهد اما کشور ما را طاعت به کیا میرساند ؟ آیا راه حل نظامی همراه با
حسونت و ویرانی کشور ما را از هیچ وجه ویرانی نجات خواهد داد ؟ آیا این راضوانست براری
همیشه مردم را در ایران خاموش کند ؟ کشور ما به زم یک خبرنگار معامله کار خاری گرفتار هیچ
وجه ویرانی است اما در حقیقت هر حرکت انقلابی و هر جنبش اعتراضی مردمی برای خاتمه دادن
به هیچ وجه ویرانی و عوامل و ریشه های آن و آثار و موارس حاکم بر جامعه است .

هیچ وجه ویرانی کنونی کشور ما ناشی از فساد و استبداد و غارت ۲۵ ساله دستگاه حاکمه
است و بد بختانه ارتش در این مدت یکی از وسایل اساسی این قدرت فاسد استبدادی را تشکیل
می داد . همانگونه که پارلمان و دادگستری و سازمانهای دولتی نیز همه خود را ابزار بیعتدالتی
و حسونت بودند ، اما همه افراد ارتش ام از سرباز و انسر و درجه دارنیل از آنکه مصوب سازمان
نظامی کشور باشند جزئی از افراد این مملکت هستند .
حانواده آنها ، فرزندان و اقوامشان جزئی از ملت ایران هستند و در سرسخت و تاریخ این
مملکت در وضع آینده آن شرکت مستقیم دارند .
اگر مملکت دارای نظامی سالم و مترقی و مبنی بر حاکمیت قانون باشد طبعا آنها نیز از آثار
مثبت این نظام بر خوردار میشوند ، و اگر کشور در چنگال فساد و غارت و قانونی اسیر باشد آنها
نیز بهرهای جز محرومیت و تباهی و فساد و حسونت نمی برند .
بیتلار صفحه ۳

یک صحنه از فاجعه

هر روز و همه جای کشور در این صحنه های

قهرمانی مردم هستیم

حدود ساعت یک بعد از ظهر بود که گفتن جنازه
را از در شرقی بیمارستان هزار تخت خواب حرکت داد
در نقاط میرآباد و دیوار کوشیدند آمبولانسهای نرسزشک
قانونی حامل جنازه راه پناه پیش حمل جمعیت قرار دادند
با اینهمه جمعیتی چهل صد متر جلوتر از جنازه می
دوید مردم رد و بطرف مسیر آمبولانس نرسز جمعیت میزدند
و دیگران راه پشت زنجیر هامیراندند تا راه برای حرکت
ماشین باز باشد ، پناه پیش جمعیت برده صفدی بود
با شعار "ما حواسار حکومت اسلامی هستیم" و صد
از آن مرد بزرگی از پارچه سیاه و انوشته سرخ و
حامل درود و سپید به روان شهید کامران نجات
المسی در پشت آن سه نفر از طمای محتر و محض
از سران ملی شعار هاهمه اله اکبر و لا اله الا اله
در گوشه جنوب شرقی تقاطع فرستامیرآباد جمعیت
در رنگی میکند ناد و باره سبل جمعیت جوان و خروشار
و تکبیر گویان جاری میشود ساعت رحدود ۱۱/۵ -
و همراه برده سمید نزد یک چراغ قرمز شمال میدان
مجسمه هستیم ویدان راز سرباز و کماند و پا خود و
تفکهای خود نارشان آماده ، شکر میکنم اگر ایمن
جمعیت به خیابان شاهرضا بیفتد راه پنهانی رفته تا سر
تکرار خواهد شد ، من توان آنرا دارم که تا پیشرفت
زهرای بدم ، در همین لحظه و زنجیر پنهان بالا از تنی
جمعیت سیرت و د و عبور میشوند و میدان میرسد -
بیتلار صفحه ۲

هجوم شبانه پلیس به دیمپ بنزین

رژیم صفاک نظامی ایران کار لجباجت برای ادامه
بغای خود را بجائی کشاند ساعت که مردم ایران مجبور
شد مانند در سرزمینی که بر د ریا های نفت قرارداد
برای خریدن چند لیتر نفت و بنزین ساعتها در
جلوی جایگاههای بنزین بانتظار پا هستند .
اما این همه مشکل نیست بلکه رژیم از هر سو به
تجاوز خود ادامه میدهد هر چه نفت و بنزین به
داخل کشور میرسد از طرف ارتش و نیروهای متوسل
آن برای کشتار مردم در خیابانها ضبط میگردد و
هر چه در جایگاههای بنزین میماند ، شبها پس
از ساعات منع عبور و مرور توسط مامورین کلانشهرها
با کت زدن نارساندان جایگاهها به غارت میرود .
این نفت های غارت شده یکجا می رود ؟ آیا بهتوسط
پاسبانها یا قیچی زیاد تر بفروش میرسد و یا پخانه
اسران شهرانی و فیم و خوشهای آنها میرود ؟
آیا مردم ایران میدانند که طبق گفته راد پوسو
انگلسان رژیم نژاد پرست امریکای جنوبی پسبرای
کلاتری به غارت میرود .

يك صحنه از جامعه بقيه

سرگردی و پناه پیش مردم وارد میدان میشد و رو
 میدان و پشت به جمعیت مسهاریه میردند و
 بستهبه سرانجام داخل میدان و بر میگردد و این بار
 حرکت دستها جمعیت را به پیشروی میخواند چیزی
 مثل دهانه زنجیرهای دوش و شرف باز نمیشد و مد های
 سمت شاهرها سرانجام میشد و رگبار مد های پسر
 میگردند و هزار صداهائی بلند میشدند و
 ما مردم رگبار دوم سرگرد جرحی مجبور می
 آمد گویا به نفس خورد و انشت رگبارهای او در
 بعد و بعد مد های در می غلظت با در ارتش
 شدند و بقیه سرمایه از روی آنها به حالت دولا
 با چهار دست و پا در جستجوی پناهگاه این سو
 می سو میدویدم خود را در محل اولین پست
 ح عمری امیرآباد می بینم و به دنبال دیگران بطرف
 پست می دویم و پشت زده با گروهی در جسد
 ۱۰ الی ۱۰ رنجبر رویشیم که گویا قبل از مردم
 به پست پناهانده شده اند پشت به جزد پوار
 سر می سر به نیاره حالت احتفا و آماد منلیک
 نااهشان پست حیایان و قدم به قدم در حال عقب
 نشینی بسوی تنه پست که فریاد میزن بینرورها
 چرا می کنید اینرورها چرا میزند صدائی در
 سوایم که نترسد مانعی زخم آنها از ما نیستند و فریاد
 های دیگری از رنجرها نه بدوید بدواید پشت
 مانشیها برمانشیها عبله نشید تا ما را ندانید
 و ایم سوید ولی آخر کیا پناهی جز پشیمانین
 های پارک شد مد رکوبه وجود ندارد و آنهم در رنجبر
 رس از طرف مدخل کوبه امن در مدخل کوبه به

خبرها...

ایران - سازمان دارایی

همچ روز سه شنبه در بجاه احتیاج بانکوهی
 از برنگان و مد های آنها در این سازمان
 تشکیل گردید. خدش از رهبران صحرا
 در ریشه و مدت و دعوت آن در مقاله یا
 استمداد کردند.
 سازمان - بلون - صبح دو شنبه - پارام -
 بجاه است و برای شرکت در جمع می سه
 سازمان - بلون - مردم در سازمان
 نامون شماره ۲۱۶۶ ارتش توفت کرده است
 و رحررها از درون کامون و از پشت برده ها
 سازمان بدون جهت افراد داخل
 سازمان دعائی سکند و نامم فسوا
 میگردند که پرتویی بر خورده بدست آید
 حوضخانه مردم داخل سازمان و رنجان
 با هوئیاری و سکوت این غشه را غشی میکند
 شهد - روز سه شنبه پنجم بجاه راه بیاضی
 مدعی با شرکت ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر
 احام شد.

لرمان - مدت سه هفتاد کد و فرار مرده گلی
 مبارک زمان ، آقایان مستشاران و اربابان را با ردا
 و غنچه نامعلوم برده اند.

شماره حساب کمک به اعتصابیون
مطبوعات: ۸۶۲۰۰ بانک ملی مرکز
۲۵۷۰۰ صندوق وام جاوید بازار

پشت رنجبر بجهها سرگرد ایباد بارباد رسد
 آنرا که جوانی تاور می افتد و رمیش میاں رمیش
 و هرامی قاهدش کدک میزنم جنال را بیکی از
 خانه های نوی بن پست می رسانیم و نار حوم
 در از تر می بینم نیر میورده و زخمی هم نیست سفید
 جوسی سر میبرد "نوکه شده" نیم ساعتی با هاش
 در میورد به سر و صورتش آب میاشند و سرله زهر
 بینی اش میگیرند و شاهرگهای گردن را میباندند
 سر منتهی میدهند فایده های نمی کند سفید پوز
 نیست را میگیرد و بعد سفید پوز دیگر میگوید "سه
 شده" و از زن صاحبخانه خواهد میزند که چادر
 نازی رویش بیند از نیت در در دیگر چادر را باند
 میزند تا دوستر را ببیند بعد بلند میشود و بطرف
 کوبه میورده بعد از برگردن اسم رفیق را میبرد
 جلال ابراهیمی لوله کتر بیالوارا در بجهه یکنی
 بتازگی متولد شده است. چهار را به را میورده
 میبرد که بدست دشمن نهند ساعت در جسد
 است رگبار هنوز میخورند ولی سرانجام از سر
 کوبه عقب نشسته اند و زنجیر بجهها مدخل کوبه را
 در حمایت خود دارد صاحبخانهها به حیایان
 میورند و هر کدام وسیلهای می آورند و زخمیها را
 یواشکی از خانه ها منتقل میکنند آمبولانسها سر
 کوبه دور می روند و آژیرشان دور میزنند و آمبولانس
 پشت آمبولانس این هم از بزرگت افراد کاد ر بیمارستان
 هزار تنه را بی نفس، جمه ، همد ، در - ۱۵
 پناهانده از بن پست می بزم بیرون و طرف حیایان
 فرصت فرصتی برای فرار رگبار هنرمی خورند
 و آمار کشتهها و زخمیها نوی ذهن بجه خا مدالی
 سجد نفر بجهها

اطلام همستگي ارمانه

در مصله مجید به وسه حد ان ارمانه کارکن این
 در مصله اجتماع کردند و با نظارهات شورانگیزی
 همستگي خود را با نهعت سراسری مردم ایران
 اعلام دانستند.

سیرجان - در سیرجان افراد نیروی دریائی بر
 جان و مال مردم مسلط گردیده و خود سرانه شهر
 را در وحشت فرو برده اند. آقای فرماندار در زهر
 فشار مرهنگیان هفته گذشته دو نفر از آموزگاران
 صادق از جمله آقای رفعتی را از زندان آزادی
 سعید امامی، سرور دریائی سب آنها را دستگیر
 و به بیایانهای اطراف شهر میبندند و با جان
 ندنی آنان را مشروب میسند که هنر پیشتر هستند
 در حال حاضر نیروی دریائی تنها حاکم سرچونت
 مردم است و مأمورین آن حتی راه را بر مانشیانیکه
 بیی نیروم و شیرجان آمد و رفت میکنند می بندند

من ساواکی نیستم

آقای دکتر پیکیز دانی دانشیار دانشکده حقوق
 دانشگاه تهران روچونت نامعای را که در شهر رشت
 کرده برای نشریات ملی و برای جنبش فرستاد است
 در این نامه انظار دانشکده است که نازیکی از لیست
 های مشر بنده در شهر رام ایشانرا نیز جزو لیست
 افسار ساواک نوشته اند در حالیکه ایشان اردو
 مبارک ملی مردم ایران برهنی دکتر محمد صدق
 معینه در این راه قدم بر میداشته چونکه بسا
 سازمان امنیت به صواب یک دستگاه صد مردمی
 نشد پیدا مخالف بیده و هفتاد اینان ضمن شرح
 مدار تفسیری و خدمات اداری خود، مجموعاً
 دفاع از مافع نشود در مد اثرات نفت یا نترسیم
 به مبارزاتی که ضد اشتراکی دارند توضیح میدهند
 که در این کاربردت پیشنی کنند از جمله نوشن
 نام فاعیل پیشتر بدو ن التزام کوبک و شخصیات و
 سخن وی مشر است حیثیت اجتماع جمعی بیکه
 را که به آن نام فاعیل خوانده میشوند لکن در کد
 و نشر سیاسی مدای به حساب آید.

توضیح لازم

در شماره گذشته تحت عنوان ((شوروی و یک
 جریه - رایران)) ترجمه آن از روزنامه
 عرالد تریبون مشر شده که دو سرداران -
 حش در باره مدعی حمله های شاهجه گوبه
 بعد از نشریات آن تکرار می ما دارد
 ما گاهانه مدعی نشر - درها و مقاله ها و -
 تجربه و تحلیل هائی که نظر حش است ،
 برین مقالات و اخبار در زمان خارج را
 بر حمله و سرورس کیم تا حواسد کان حش
 از آن مطلع شود بررا معتقد به حرکت
 اگر امامت حش اعلای ایران هستیم -
 هر گاه در آن مقاله عرالد تریبون مدالیسی
 به حش در آن مورد اشاره بود تا بعد طریقت
 ایران و مورد شاید ما است ، شاید آن را
 افسانه در زمان در زمان ارتجاعی غرب
 مدعیان فرسیا ، و نظاریات تحریک آمیزی
 ران سرکوی حش اعلای مردم ایران وجود
 دارد که به وسیله روزنامه هان مشرود تبلیغ
 می شود ، تا - - - - - را دید ، حیواند و با
 ان

افدام علمه و تقوی ادکمی رزوم

زاهدان برادران طوطی اول...
دانش غیبی طلب ایران بر طبقه رزوم
مطابق روز بیست و هفتم دیماه در مسجد
جامع برادران شیخی خود جمع و پس از
استماع سخنران عالی طراز امیر...
از مبارزه طلب طایفه پیشاتوری موجود...
برادران شیخی خود فاعله بین مسجد جامع
و دانشگاه با دوستان را راهپیمایی نمودند.

نار و شماره خمی از آزادخواهان و منزل
حضرت آمان ملا سید احمد پیشینماز شهر
را آتش زدند...
سیرجان با شروع محرم و صد و پنجاه تن
در محل را از گسترش به اعتصاب غذا نشسته
بودند و پسند تن تحمیل کرده... خواست
اصلی آنها آزادی - و تن زندانی بازداشت
نده شان بوده است که پس از ۱۰ روز...
می کردند... در طول ایام تحمیل...
با کشیک های شبانه روزی از شهر محافظت
می کرده اند.

سفر - چهارم دیماه - در حومه ماموران شهر
به مردم بحر نیز از پاره پاره فرود و کفر
شهادت بجای دادند...
حاکم نازدار علمی (حاکم) - حاکم وحیه
با سبب بود که رحمی شده اند و آنان
سعی کرده اند تا راکه شهید شده است...
دست آورد... اجبار و اوتان مامور...
مسلک

در تاسیخا و ماتیورا نیز مردم با نظامرات با
نکوه خود...
روزیم اعلام داشتند...
بیست و هفتم ۱۲ محرم...
توسعه نیروهای زاهد امری و نیروهای دریاپی
به خون کشیده می شود...
استاد حلال سمانکار شهید می گردد

دسامه روشنفکران بهودی

حکام با سپست راسین ملت ایران روشنفکران
خادمه بهودی ایران با شرکت فعال در راهی
جستجویان یکبار دیگر همسنگ خود را با...
ملت ایران اعلام میدارد...
ادکمان و فعال...
میدوایند با ایجاد تنفر...
ایران تسلط استعمار را بر مطلق...
جهان مار هم تا ابد...
طایفه است و جمع...
سپست ملت ایران را در گرو...
آن را یک حرکت اجتماعی...
اندا روشنفکران...
شامل به اساتید...
عش و حمایت در این...
دوم

۱۲۵۲ در منزل حضرت آیت الله سید
محمد طالقانی...
ایران...
ملت ایران اعلام...
ادکمان و فعال...
میدوایند با ایجاد تنفر...
ایران تسلط استعمار را بر مطلق...
جهان مار هم تا ابد...
طایفه است و جمع...
سپست ملت ایران را در گرو...
آن را یک حرکت اجتماعی...
اندا روشنفکران...
شامل به اساتید...
عش و حمایت در این...
دوم

در مائوس و ده تشییع جنازه رسن از جانب
دولت داد...
تشییع بر یکبار پیشین...
تشییع جنازه را...
در حین...
سوز است چرا...
برگزارن تشییع جنازه رسمی...
این مردم چگونه به تما...
دور شما در باره احترام به اسان و انسانیت
اور آورد.

در دور...
مردم را به حیایان می آورد...
تم آنها...
را در شام...
آیا آن وزیر...
مردم...
مسئله...
آگاهند...
دانشگاه...
جد کسی...
ورود...
سا زمان...
میداند...
زاد...
و دانشگاه...
دا...
مزار...
کوبه...
دانشیار...
حسین...
با...
معانات...
است...
که...
رزم...
کسی...
نه...
معدن...
رسیده...
و...
آموزش...
این...
چنین...
و...
دو...
بمیدان...
خود...
اما...
این...
کار...
سال...
و...
رئیس...
انکار...
خواهد...

ایران و راه حل اندوژی

بینه از صفحه ۱

بنا بر این در حکمی که در جامعه...
در اثر...
حاکم...
بهره...
حمایت...
کسانی...
ترین...
و...
اصتا...
هرج...
استقرار...
اجتماعی...
۱۲۲۲...
نظامی...
بانی...
پرسش...
مطمئن...
ما...
نتیجه...
ادامه...
و...
خواهد...

بنا بر این در حکمی که در جامعه...
در اثر...
حاکم...
بهره...
حمایت...
کسانی...
ترین...
و...
اصتا...
هرج...
استقرار...
اجتماعی...
۱۲۲۲...
نظامی...
بانی...
پرسش...
مطمئن...
ما...
نتیجه...
ادامه...
و...
خواهد...

اوج جنایت در قزوین

بنابر امارات - مردم از سرخس و سمنان میگردند و در تهران حکومت نظامی به روی مردم بیگانه آتش گشودند و جامعه‌ای بی‌آوردند که از سرخس و سمنان قزوین بجهت امنیت، چه از نظر نوع حمله و همسنگی، و چه از نظر تعداد شهدا و زخمی‌ها مرده را دیدند به گلوله بستند، کودکان خردسال مردان و زنان سالخورده جوانان زنان حامله حتی مردی که در صف طویل نفت مانده بودند از سر لشکر چهارم فوج در امان نماندند. يك کامیون ارتشی با سرت به میان صف خرابان نفت رفت و پیش از بیست نفر را کشت.

حسینکاران خارجی که روز جمعه بهترین رفیق بودند به دیدن بنیاد چهل جنازه زن و کودک و دیدن مرگ فاجعه آمیز زن حامله میگردند. طبق آخرین آماري که به دست ما رسید از این جنایت قرون حد اقل ۱۰۲ نفر شهید باقی مانده اند که جوارش در آمان از بیمارستانهای قزوین صادر شده است و نیز از هفتصد زخمی و تیر خورده که به بیمارستانها مراجعه کرده اند، هنوز از تعداد شهدا و زخمیانی که در دهقان و خانواده ها برداشته و به بیمارستانها نرفته اند چیزی در دست نیست.

فرماندار نظامی قزوین اوسای ادارات دولتی و ریش سفیدان شهر را با طاق خود دعوت کرد و با حضور رئیس ساواک محل اخذ داشت که ناگهان با مردم شهر مدارا کرد و دست اما منتظر است تا بیست و نه نفر را با او اتمام بخورد و از مردم بگیرد که تمام محرکین مردم (مناظران) آزاد بخواهان بود ما سبب را شناسایی کرده و خانه و محل کار آنان را میداند و از آنان انتقام خواهد گرفت.

حیدر در شهر شایع شد. صبح روز هفتم جمعی از مردم همین تظاهرات ملی خود از روز سه شنبه آغاز میگردند و با اینکه می دانستند نباید بیانه‌ای به تمسارید هند، آرامش را در آن نقطه راهت کردند. اما ناگهان يك گروهی از زاندارویی در هسته را کشت. به حیایان آمد و سرهی مردم تلیک کرد. سه نفر را کشت و چهارمی را زخمی کرد و در خون رفت. دیگر بهانه بدست تمسار آمد که امسال سال درجه گرفتن ایشان است. روز پنجشنبه مردم شهر برای تشییع جنازه شهدا بیرون آمدند و در دهان جنگی شمار

نمایشگاهی از جنایات رژیم

در می ملتند و میگردند. دختري جوان از خانهای بیرون می آید تا کودک تیر خورده‌ای را بردارد. خود تیر بیت گلوله می افتد و پدر که سراغ دختر می آید در کنار دختر شهید میشود. امیر مردم خوشه‌ها و دانه‌های تن شهدا را موهار که به زمین و دیوار چسبیده است گلباران کرده اند. لباسهای خونین را در میان گلهای گل آفتاب دوخته دست به تماشای آن کوبه می روند و گل میگردند و میگردند و به روی شهدا درید میگردند و رژیم خون آشام را لعنت می کنند.

کوبه نمایشگاهی چسب سینما پاسه‌یک شده است. نمایشگاهی زنده از جنایات دولت نظامی، اگر چه هرگونه هر شهر و روستا چنین است. روز هشتم دیماه در يك هجیم نیروهای محسور سرخس مردم در حیایان شهربان بوزر نمایانی و به خانه‌ها پناه میبرند، چهار جوان بیدن سرودا پناسرکان از خانه‌ها بیرون می آید و به حیایان میرود. ناگهان عدای سربران سرکوبه ماهر میشود و مردم را به گلوله می بندد. مردم پیش

بیرحمی، حتی با دیوانگان

نمی رسد و اسلحه‌های رسی ندارند چکینه میتواند باشد. من به او گفتم بهر حال فعلا کاری که میتوانی کنی اینست که مقداری لباس و کفش تهیه کنی و در مرتبه برگرد بشیراز اینطور خجالت راحت میشود. آهی کشید و گفت ای آقا مگر میشود در میان عدما لخت و عورت و کمره بکنار لباس گرم بپوشد؟ مگر آنها بکنند آن لباسها بتن پشم بپایند؟ در دلم گفتم زهی و راحت و پیشرو پر و پامبران شدن بزرگ و ننگ شاهنشاهی که حتی بر دیوانه های بیخواب این کشور هم رحم نکردند، از همی وقاد يك پدر کارگری جز گریه کردن و غصه خوردن از دست و بیشرمی بر کسانی که نه تنها مهربانها توان شره مردم را در زدند و از مملکت خارج کردند بلکه پاس

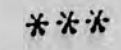
فرزند یکی از روستاییان آشنای شمال دچار اختلال مضار است و اکنون در دارالمجانین شیراز بسر میبرد پدرش از شمال برای دیدن فرزند دیوانه بشیراز میرود و در بازگشت به شیراز میاید و وقتی از حال و احوال پدرش با فرزندش سرزیر میشود چیزی به صحبت می نشیند معلوم میشود که گریه جاسگد از او نه به خاطر بیماری فرزندش است که به علاج بودن آن یقین دارد، ناله او از این بود که پسر بیمارش و سایر بیماران روحی آنجا در چنان وسع رفت باری بسر میبرند که از دیدن آنها بعنوا يك پدر کارگری جز گریه کردن و غصه خوردن از دست و بیشرمی بر کسانی که نه تنها مهربانها توان شره مردم را در زدند و از مملکت خارج کردند بلکه پاس

پرسیدم وضع آنها چگونه است، بازاری و گریه‌گفت فرزندان را بشنیده که در سرمای سیاه روستا اینها هیچ گونه وضی برتن نداشته اند، يك پیراهن نازک پاره با شرف و زمختی از دزد های صاحب مقام درونکو و مند رس بر تنشان بود آنچنان که فرزندم در برابر من دستهایش را پهل کرده بود و از سرمائل پید میگردید و با اینوصح سردشان میتوانيد تصور کنید که وضع خدای آنها چگونه است و رفتار کارمندان آنها مثلن را نمیتوان به محبت عايشی و سوز چرانی خود با تشنه موجودات بیخون، که فرادشان به هیچ جا گزنی يك مشت درونگونی عاری از احساس و وجدان انسانی از هفتی ساکت شدند.

کشتن يك استاد

مردوب کردن بیش از ۶۰ نفر

روز چهارشنبه تحصن استادان دانشگاه در دبیر خانه دانشگاه تهران بیش از ۶۰ نفر از استادان دانشگاهها و مدارس عالی که از پیوستن آنها به تحصن دانشگاه جلوگیری شده بود در محل وزارت علوم متحصن شدند. خواست آنان چون خواست همه مردم ایران و آرکشی موسسات آموزشی و در کردن سر نیزه و پلیر از دانشگاهها بود. مردم تهران و جوانان و دانشجویان همه در اطراف میدان امام اسفند و حیایان کریم خان زند اجتماع میگردند و نیزه رگبار گلوله و گاز اشک آور و ضربات با طوم پشمیانی خود را از خواست استادان اعلام میگردند. روز چهارشنبه گذشته دکتر مفیدی وزیر علوم جلسهای با حضور روسای دانشگاهها ترتیب داد به چاره جویی و نحوه صورت مذاکرات را در اختیار حکومت نظامی گذاشت. نتیجه رایزنی های وزیر علوم کابینه نظامی کشتن کامران نجات اللهی استاد دانشگاه بود که برای هواجوری به پالکر آمد بود. دوستان نجات اللهی خواستند او را به بیمارستان برسانند ولی ابرج پناه مسئول حفاظت وزارت علوم برق آسانسور را قلع کرد و از آمدن امیر جلوگیری کرد تا کامران جان داد. با این کشتار به مد سرانجه رژیم تصور نکرد میبود، وحشی و آرامش و دید نیامد، بلکه موج احساسات بالا گرفت. حکومت نظامی وزیر علوم به دست و پا افتادند و چاره جویی ساعت ۱۷/۵ بعد از نیمه شب در يك ۲۰۰ نفر مامورین محسور و پلیس و صوساواک را با جوسو چماق و میله‌های آهنی بیان استادان انداختند. وحشیانه زدند و دستها و سرآنان را شکستند. اشیای قیمتی چون گردن بندها و انگشتر و دستبند خانمها و ساعتها را کتند و بیگانه بردند. برانده مان نظامی و پلیس، این هجوم و جنبانه در حالیکه اسلحه‌های لخت را بدست گرفته میبودند، نمره میزدند و فرمان زدن و کشتن صادر میگردید. دستمهایی که از دهان این درجه داران ارشد طیه استادان دانشگاه شنیده میشد، از دهان هیچ ولگردی نمیشد شنید. ایشان که خود روزی با صخلای دانشجویی و اند بفرات ج... آ... به مشا نداد استادان دانشگاهند که باید آنان را بکشت. این نمونه شعور حکومت و پلیس نظامی و اسرار و اموران است.



منزل شهید کامران نجات اللهی استاد دانشگاه پلی تکنیک، سه راه سلسبیل کوه طای حای، پلاک ۲۱ من باشد. - خانواده او را به ویژه پدر را در ارتش را به کوهان همدان و اساسی تسلایدهید. در روز شهیدانی که روز هفتم دیماه به کشتن زهرها حمل شدند شناسایی گردیدند. شهید حسن فتاحی ۲۴ ساله - شهید... واحدی ۲۲ ساله.